بررسی رابطه بین درجه تمرکز بازار و نرخ مؤثر مالیات بر شرکتها: مطالعه موردی صنایع لاستیک و پلاستیک ایران (۱۳۸٤-۱۳۷٤)

یگانه موسوی جهرمی[۱]

فرهاد خداداد کاشی[۲]

مینو زیارتی[۳]

تاریخ دریافت : ۸۸/۷/۸ تاریخ پذیرش : ۸۸/۱۰/۸

چکیده:

هدف از نگارش این مقاله بررسی رابطه مالیات و ساختار بازار در قالب برآورد ارتباط سه متغیر قدرت انحصاری صنعت (درجه تمرکز بازار)، مالیات (نرخ مؤثر مالیات بر شرکتها) و هزینه‌های راه اندازی (موجودی سرمایه به عنوان نمادی از آن) طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۷۴ با استفاده از دیدگاههای شومپیتر، گالبرایت و ساتن می‌باشد. یافته‌های این مقاله با دیدگاه شومپیتر و ساتن سازگاری دارد زیرا مؤید آن است که با افزایش نرخهای مالیات ، قدرت انحصاری بازار افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، با افزایش موجودی سرمایه، ورود بنگاهها به صنعت سخت تر می شود و در نتیجه، قدرت انحصاری صنایع و درجه تمرکز بازار بیشتر می‌شود.

کلید واژه :درجه تمرکز بازار ، نرخ موثر مالیات ، هزینه های راه اندازی

[۱] -دانشیار دانشگاه پیام نور (سازمان مرکزی)

[۲] - دانشیار دانشگاه پیام نور (سازمان مرکزی)

[۳] -کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه پیام نور (مرکز تهران)

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

۱-مقدمه:

در بسیاری از نظریه های اقتصادی از مالیات به عنوان عامل اخلال در زمینه رقابت یاد می شود زیرا مالیات موجب افزایش هزینه‌ها، کاهش سودآوری و کاهش انگیزه سرمایه گذاری می‌شود . کاهش سودآوری انگیزه ورود بنگاههای بالقوه به بازار را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، مالیات به مثابه مانع ورود بنگاههای بالقوه به بازار عمل می کند. اهمیت موضوع هنگامی بیشتر می شود که صنایع دارای هزینه های راه اندازی بالا باشند. زیرا هزینه های راه اندازی سرمایه گذاری برگشت ناپذیر و عامل تصمیم گیری بنگاهها برای ورود به صنعت هستند که با گسترش آنها ورود به صنعت سخت تر می شود و در نتیجه، صنایع همچنان انحصاری باقی می مانند.

بر این اساس، یکی از دیدگاهها و راهکارهای مطرح برای ایجاد فضای رقابت و تعدیل رفتارهای انحصاری، بهره گیری از مالیاتها است. در این دیدگاه، مالیات به عنوان ابزاری برای تنظیم ورود بنگاهها به صنعت به کار گرفته می شود..

هدف از مقاله حاضر فراهم نمودن زمینه شناخت تأثیر مالیاتها بر ساختار و میزان تمرکز بازارهای ایران و ارائه پیشنهاد برای تنظیم سیاستهای مالیاتی است. در این راستا، پس از تعریف تمرکز و معرفی برخی از شاخص های آن، چارچوب نظری و پژوهش های انجام گرفته مرور می‌شود.سپس، در قالب مدلی که در بخش پنجم ارائه خواهد شد، رابطه بین درجه تمرکز بازار در صنایع لاستیک و پلاستیک ایران با نرخ مؤثر مالیات بر شرکتها و موجودی سرمایه(به عنوان نمادی از هزینه‌های راه اندازی) آن صنایع طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۷۴، با استفاده از دیدگاههای شومپیتر، گالبرایت و ساتن برآورد می شود. در انتها، براساس یافته های مطالعه نتیجه گیری و پیشنهاداتی ارائه خواهد شد.

۲- تمرکز بازار و شاخص های آن :

تمرکز بازار از جمله متغیرهای ساختاری است که از آن برای اندازه گیری سطح فعالیت های رقابتی و انحصاری در کارهای تجربی استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، تمرکز، چگونگی و نحوه تقسیم بازارها بین بنگاهها را اندازه گیری می‌کند.

مهمترین شاخص های تمرکز عبارت ازمعکوس تعداد بنگاههـا در صنعت، نسبت تمرکز n بنگاه، شاخص هرفیندال-هریشمن (HHI)، شاخص های کی وهانا، شاخص σ^2 و شاخص آنتروپی می باشد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

در این میان:

– شاخص نسبت تمرکز n بنگاه کاربردی ترین شاخص است و در اکثر مطالعات تجربی از آن استفاده می شود. این شاخص به صورت زیر محاسبه می شود:

$$CR_n = \frac{\sum_{i=1}^{n} X_i}{X}$$

CR_n، نسبت تمرکز n بنگاه، $\sum_{i=1}^{n} X_i$ ارزش تولید تجمعی n بنگاه برتر و X کل ارزش تولیدات صنعت می باشد.

– شاخص هرفیندال– هریشمن(HHI) به لحاظ پایه های نظری و استفاده از کلیه اطلاعات موجود در صنعت، از سایر شاخص هامستدل تر و قوی تر می باشد و به صورت حاصل جمع توان دوم سهم بازار کلیه بنگاههای صنعت محاسبه می شود:

$$H = \sum_{i=1}^{n} (\frac{Xi}{X})^2$$

لذا در این مطالعه از دو شاخص مذکوربرای اندازه گیری قدرت انحصاری صنایع لاستیک و پلاستیک در ایران با کدهای چهار رقمی (کد ۲۵۱۱ صنعت تولید لاستیک رویی و تویی و روکش کردن مجدد و بازسازی لاستیک های رویی، کد ۲۵۱۹ : صنعت تولید سایر محصولات لاستیکی به جز کفش کد ۲۵۲۰: صنعت تولید محصولات پلاستیکی به جز کفش) استفاده شده است.

۳- چارچوب نظری:

شومپیتر معتقد است مالیاتهای سنگین باعث تشدید تمرکز صنایع وایجاد انحراف در پویایی سیر تکاملی آنها می شود و در نتیجه آن، رفاه اجتماعی در بلند مدت کاهش می یابد. او عقیده داشت که برای صنایع دارای هزینه های راه اندازی بالا (قدرت انحصاری بالا) باید با ملایمت مالیات وضع شود. زیرا هر چه هزینه های راه اندازی بیشتر باشد، ورود به صنعت سخت تر و در نتیجه تمرکز و قدرت

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

انحصاری صنعت بیشتر می شود. حال، چنانچه مالیات های سنگین نیز برقرار شود، به سختی امکان ورود افزوده می شود و شرکت های کمتری نسبت به قبل از برقراری مالیات می توانند وارد صنعت شوند و لذا تمرکز افزایش می یابد، (Colombo, Labrecciosa & Walsh ,2006, pp.2-4)

در مقابل گالبرایت[1] بر این عقیده بود که صنایع بشدت متمرکز باید مالیات سنگین بپردازند تا از قدرت انحصاری آنها کاسته شود. ولیکن با توجه به نتایج حاصل از این سیاست وی در مقاله خود با عنوان « قدرت و اقتصاد دان مفید » اظهار داشت که چنین راهکاری نه تنها در کاهش قدرت انحصاری موفق نبوده بلکه در راستای منافع دارندگان قدرت حرکت کرد و باعث شد صنایع متمرکز، بشدت متمرکز باقی بمانند،(Galbraith, 1973,pp. 8)

در این زمینه، نظریه برداشت تصادفی تمرکز از دریچه دیگری به موضوع می نگرد و سعی می کند تغییرات تمرکز در بازارهای واقعی را تبیین کند. در نظریه برداشت تصادفی تمرکز مطرح می شود.

در هر بازار عوامل تصادفی متعدد و نامطمئنی در کار هستند که بر تصمیمات بنگاهها و نرخ رشد آنها تأثیر می‌گذارند و تمرکز بازار بسته به تأثیری که از مجموعه این عوامل می‌پذیرد دچار تحول می‌شود. میزان تأثیر هر یک از این عوامل بر نرخ رشد و اندازه بنگاهها و همچنین بر تمرکز بازار دقیقا" مشخص نیست. از جمله این عوامل تصادفی می‌توان به میزان موفقیت در تبلیغات ، روزهای از دست رفته به‌دلیل اعتصاب، تغییر در نرخ برابری ارز، ارائه یک یا چند محصول جدید، تغییر در سیاستهای قیمتی رقبا، تغییر در سیاستهای مالیاتی دولت و... اشاره کرد. تمامی عوامل فوق در تصمیم مدیران بنگاهها، بر نرخ رشد و اندازه آنها موثر هستند. در نهایت، می توان عنوان کرد که بر تغییرات تمرکز بازار، فرایندی کاملا" تصادفی حاکم است (خداداد کاشی،۱۳۸۵،صفحات۱۲۷-۱۳۰).

۴- مروری بر مطالعات گذشته[2]:

Luca Colombo, Paolo Labrecciosa, Patrick paol Walsh (2006) بر اساس آمار و اطلاعات صنایع ۴ رقمی کشورهای فرانسه، ایتالیا و انگلیس طی سه بازه ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸، در قالب مدلی،

[1]-JOHN KENNETH GALBRAITH

۲-به رغم آنکه در ایران در حوزه مالیات بر شرکتها، انحصار و تمرکز بازار، به طور جداگانه، مطالعاتی صورت گرفته ولیکن تاکنون در خصوص رابطه میان آنها مطالعه ای انجام نشده است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

با هدف حداکثر کردن رفاه اجتماعی(W) و با مد نظر قرار دادن هزینه های راه اندازی در سطح صنعت، نرخهای بهینه مالیات بر شرکتها را برای هر صنعت مورد مطالعه، با استفاده از توابع و روابط ریاضی زیر محاسبه کردند. $W=G+N\bar{\pi}+CS$

که در آن، $G=\sum_{j=1}^{m} n_j \frac{T_J}{1-T_J}(F_J+\bar{\pi})$ مخارج عمومی دولت، اقتصاد از Mصنعت تشکیل شده و $J=\{0,1,2,3,\ldots,M\}$، $N\bar{\pi}=\sum_{j=1}^{m} n_j \bar{\pi}$ =مجموع همه سودهای صنعت، $CS=\int_0^{Q_J} P_J(Q_J)dQ_J - Q_J P(Q_J)$ مازاد مصرف کنندگان، $nj^1=\sqrt[2]{\frac{1-T_J}{F_J}}-1$ تعداد شرکتهای در حال کار در صنعت j ، می‌باشد

$$W=\sum_{j=1}^{m}\left[\frac{1}{2}+F_j\left(1-\sqrt{\frac{1-T_J}{F_J}}-\frac{1}{2(1-T_J)}\right)\right]$$

$$S.T. \in [0,1)\, T_J$$

راه حل بهینه توسط تساوی زیر حاصل می‌شود:

$$T^* = 1-\sqrt[3]{F_J}$$

با استفاده از شاخص تمرکز $HHI_J = \frac{1}{n_j^l}$ ()، رابطه بالا و رابطه مربوط به تعداد شرکتهای فعال در هر صنعت، و جایگزاری های لازم، نرخ بهینه مالیات به صورت زیر محاسبه شده است:

$$F_J = \frac{HHI_J^3}{(1+HHI_J)^3}$$

$$T_J^* = \frac{1}{1+HHI_J}$$

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

دراین مطالعه، محققین نام برده باعنایت به سه مورد؛ نرخ مالیات به عنوان متغیر تصمیم برای ورود[۱]، رابطه مثبت میان میزان تمرکز و هزینه های راه اندازی، رابطه منفی میان نرخ مالیات و هزینه های راه اندازی، وبا استفاده از روش پانل دیتا، رابطه بین HHI شاخص تمرکز (شاخص هر فیندال –هیرشمن) و نرخ بهینه مالیات بر شرکتها در سطح صنعت را تخمین زده اند.

این مطالعه نشان داده است که اصل شومپیتری (۱۹۴۲) در مالیات بندی بر روی صنایع کشورهای فرانسه، ایتالیا و انگلیس کاربرد داشته است. در این مطالعه، مطابق دیدگاه شومپیتر، نتیجه گرفته شده است که هر چه نرخهای مؤثر مالیات بر شرکتها بیشتر باشد، تعداد شرکتهای درون صنعت کمتر می شود. لذا، صنایع بشدت متمرکز شده و در پویایی سیر تکامل صنایع انحراف ایجاد می شود و رفاه اجتماعی در طولانی مدت کاهش می یابد.

بر این اساس، محققین مذکور نتیجه گرفتند که راهکار مبتنی بر دیدگاه شومپیتر برای صنایع دارای هزینه های راه اندازی بالا، به عنوان نمادی از صنایع با قدرت انحصاری بالا، راهکاری مناسب است. به این ترتیب که آنها پیشنهاد کردند برای صنایع مذکور با ملایمت مالیات وضع شود تا ورود بنگاهها آسان و از درجه انحصاریشان کاسته شود و به سمت رقابتی شدن پیش روند تا در نهایت، رفاه اجتماعی افزایش یابد.

بررسی دیگر، توسط جان گالبرایتدر سال ۱۹۷۳ انجام شده است. وی در مقاله ای تحت عنوان «قدرت و اقتصاددان مفید » عنوان می کند که به جای کلمه قدرت، ارجح است «سیستم برنامه ریز» را به کار برد. به علاوه، او اضافه کرده است که سیستم برنامه ریز در عملکردش قدرتی دارد که بر بازار پیشی می گیرد و تأثیری گسترده بر روی قیمت ها و هزینه ها دارد و هدف اساسی آن رشد است. طبق نظر گالبرایت، وقتی قدرت زیاد می شود خواسته های مردم به شکلی نادرست برآورده می شود و یا شاید اصلا برآورده نمی شود. لذا باید برای جلوگیری از چنین مشکلی مالیاتهای سنگین وضع شود زیرا مالیاتها باعث کاهش قدرت انحصاری می‌شوند. اما اجرای چنین سیاستی موفقیت آمیز نبود زیرا سیاستهای مالیاتی در راستای منافع سیستم برنامه ریز حرکت کرد و تأثیر خیلی خفیفی بر روی دارندگان قدرت داشت و صنایع همچنان متمرکز باقی ماندند. بنابراین، اقتصاد دانان باید به بررسی چگونگی کارآمد

[۱]– دولت می تواند با انتخاب نرخ مالیات کوچکتر موجب ورود بیشتر شود.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

کردن کنترلها و منصفانه کردن توزیع درآمدها بپردازند و همچنین دولت باید برای جبران استفاده ناکافی از منابع، تصحیح نا برابری ها و حمایت از مصرف‌کننده، اقدامات چاره‌سازی انجام دهد.

مناسب است در اینجا در باره هزینه های راه اندازی به عنوان نمادی از قدرت انحصاری به مقاله پژوهشی که توسط Timothy F. Bresnahan در سال (۱۹۹۲) با عنوان "هزینه های راه اندازی و ساختار بازار ساتن: قیمت رقابتی، تبلیغات و سیز تکاملی تمرکز" منتشر شده، اشاره شود. وی در این مقاله به دیدگاه ساتن نسبت به هزینه های راه اندازی می پردازد. بر اساس دیدگاه ساتن، هزینه های راه اندازی سرمایه گذاری برگشت ناپذیر و متغیر تصمیم گیری واحدهای اقتصادی محسوب می شوند. ساتن بیان می کند که این هزینه ها عامل تصمیم گیری بنگاهها برای ورود به صنعت هستند که با گسترش آنها ورود بنگاهها به صنعت سخت تر می شود و در نتیجه، صنایع همچنان انحصاری باقی می مانند. او نتیجه گرفته است که دست یابی به هزینه های راه اندازی صنایع، کلیدی برای پیش بینی ساختار تمرکز و قدرت انحصاری آنان است. جان ساتن از صنایع موادغذایی و آشامیدنی به عنوان بستری جهت آزمایش تئوری کلی استفاده کرده است[۱]. البته او به درستی ثابت می کند که اهمیت هزینه های راه‌اندازی به صنایعی‌فراتر از آن چه در این جا بررسی شده تعمیم می یابد و کاملا برای صنایع دیگر هم صدق می کند-138(Bresnahan,1992, pp..139,149-151) .

۵- معرفی مدل و برآورد آن:

بر اساس دیدگاه شومپیتر، گالبرایت و ساتن در قالب مدل زیر رابطه بین درجه تمرکز بازار (HHI)با نرخ مالیات بر شرکتها(T) و هزینه های راه اندازی(K) بررسی شده است.

$$HHI = \alpha + \beta 1\ T + \beta 2\ K$$

در مدل فوق؛ HHI، شاخص تمرکز است که در این مطالعه به برآورد مدل با هر دو شاخص هرفیندال- هریشمن (HHI) و نسبت تمرکز n بنگاه (CR4) پرداخته شده است. آمار و اطلاعات مربوط

[۱]- زیرا، در سال ۱۹۸۷ محصولات غذایی و آشامیدنی، ۸/۵٪ از GNP یا بیش از ۱/۵٪ از کل اقتصاد ایالات متحده را شامل بوده است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

به این دو شاخص با استفاده از داده های خام طرح جامع آمار گیری بخش صنعت مرکز آمار ایران استخراج شده است (جداول شماره ۱و۲ پیوست).

T، نرخ مؤثر مالیات بر شرکتها در سطح صنایع مورد مطالعه است که با استفاده از داده های سازمان امور مالیاتی کشور به صورت میانگین وزنی نرخ مؤثر مالیات بر شرکت های هر صنعت محاسبه شده است(جدول شماره ۳ پیوست).[۱]

K،موجودی سرمایه است که به عنوان نماد هزینه های راه اندازی صنایع مورد مطالعه در نظر گرفته شده است. این متغیر بر اساس نظریه اصل شتاب، با استفاده از روش نسبت سرمایه به تولید (ارزش افزوده) و اطلاعات مربوط به محاسبه متغیر موجودی سرمایه حاصل از نتایج آمارگیری سالانه مرکز آمار از کارگاههای بزرگ صنعتی کشور (کارگاه های ۱۰ نفر کارکن به بالا) محاسبه شده است (جدول شماره۴ پیوست).

- برآورد مدل:

مدل مد نظر به صورت زیر، برای هر سه کد چهار رقمی صنایع لاستیک و پلاستیک، در دوره ۸۴-۱۳۷۴ با استفاده از آزمون هاسمن(پانل دیتا)[۲] و باکمک نرم‌افزار execl برآورد گردیده است. از آنجا که ۱۰/۲۱=۲ χ محاسبه شده بزرگتر از ۵/۹۹=۲ χ جدول می‌باشد، فرضیهH0 (اثر تصادفی) پذیرفته نمی‌شودوباید به صورت اثرات ثابت تخمین زد (تخمین مربوط به اثر ثابت در قسمت پیوست آورده شده است). بنابراین، نتیجه حاصل عبارت است از:

HHI_2511 = 0.06859693786 + 0.03340197817 + 0.1302952686*T_2511 + 2.087115997e-009*K_2511

HHI_2519 = -0.01697113398 + 0.03340197817 + 0.1302952686*T_2519 + 2.087115997e-009*K_2519

۱- وزن دار شده توسط سود شرکتها

۲-آماره این آزمون دارای توزیع کایدو با درجه آزادی برابر با مقدار متغیرهای مستقل k می باشد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

$$HHI_2520 = -0.05162580388 + 0.03340197817 + 0.1302952686*T_2520 + 2.087115997e\text{-}009*K_2520$$

(۰/۰۱۷۰) (۰/۰۵۴۹) (۱/۰۲e-۰۹)

t های مربوطه ۲/۰۴ ۲/۶۱ ۱/۹۵

اعداد داخل پرانتز انحراف معیارها هستند.

$R2$=۰/۹۳ DW=۱/۸۵ χ ۲ (۲) = ۵/۹۹

۶- نتیجه گیر ی و پیشنهادات:

در این پژوهش، رابطه بین تمرکزبا نرخ مالیات و موجودی سرمایه در صنایع لاستیک وپلاستیک در ایران، طی سالهای ۱۳۷۴- ۱۳۸۴ بررسی گردیده است. نتایج برآورد در بازه زمانی مذکور نشان می‌دهند:

۱- بین درجه تمرکز بازار(در هر دو روش HHI, CR4) و نرخ مؤثر مالیات بر شرکتها، مطابق دیدگاه شومپیتر، رابطه مثبت و معنی داری برقرار است. به عبارت دیگر، با افزایش نرخهای مالیات قدرت انحصاری بازار افزایش می‌یابد که این خود منجر به کاهش رفاه جامعه می‌گردد.

۲- رابطه بین درجه تمرکز بازار (در هر دو روش HHI, CR4) و موجودی سرمایه (نمادی از هزینه‌های راه‌اندازی) بر اساس دیدگاه ساتن، مثبت و معنی دار بدست آمده است.

۳- در تحقیق حاضر، بر مبنای تغییر نرخهای مالیات برشرکتها از جدول ماده ۱۳۱ به یک نرخ ۲۵٪ در سال ۱۳۸۰و اجرایی شدن آن از سال ۱۳۸۱،بررسی انجام شده است که می توان چنین نتیجه گرفت که نرخ ۲۵٪ تا حدی از انحصاری بودن صنایع کم کرده ولی باعث پیشبرد صنایع به سمت رقابتی شدن نگردیده است. در جداول مربوط به اندازه شاخصهای تمرکز هم می توان مشاهده کرد که در سالهای اول پس از اجرایی شدن نرخ ثابت مالیات برشرکتها، تمرکز تا حدودی کاهش یافته ولیکن در سالهای بعد همچنان سیر صعودی طی کرده است.[۱]

۱-همچنین در این بررسی با استفاده از روش مصاحبه، نظر کارشناسان سازمان امور مالیاتی و تولیدکنندگان صنایع مختلف، اعم از صنایع مورد مطالعه و دیگر صنایع، دریافت شد. آنها عقیده داشتند که نرخ ۲۵٪ همچنان بالا است و شرایط ورود به صنعت را برای برخی از صنایع، سخت می‌کند. در واقع، نظر کارشناسی افراد مذکور حداقل تأییدی بر ضرورت توجه به مطالعاتی از این دست، نتایج و پیشنهادات آنها است. نتایج مطالعات تکمیلی آتی می تواند برای مسئولین مالیاتی در امر سیاستگذاری،تجدید نظر و اقدامات اساسی راهگشا باشد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

بنابراین، با توجه به یافته‌های فوق پیشنهاد می‌شود: چنانچه هدف افـزایش رقابـت در بازارهـا باشـد، مطابق راهکار شومپیتر، لازم است نرخ مالیات بر شرکتها را کاهش داد تا میـزان تمرکـز و نهایتـا درجـه انحصار کاهش یابد. بنابراین، سیاست‌گذاران مالیاتی می‌توانند برای صنایع دارای هزینـه‌هـای راه‌انـدازی بالا، به عنوان نمادی از صنایع با قدرت انحصاری بالا، با ملایمت مالیـات وضـع کننـد تـا ورود بنگاههـا آسان گردد و از درجه انحصاری آنها کاسته شود. به این ترتیب، صنایع مذکور به سمت رقابتی شدن پیش می روند و در پی آن رفاه اجتماعی افزایش می یابد. البته تصمیم گیری در این مـورد و تعیـین نرخهـای مناسب نیازمند مطالعات گسترده است زیرا شکل گیری صنایع انحصاری و میـزان قـدرت آن، عـلاوه بـر عوامل مد نظر این مطالعه، تحت تأثیر عوامل متعددی مانند میزان، نوع و چگونگی حمایتهـای دولتـی و سطح فن آوری مورد استفاده بنگاههای درونصنعت[1] است. بنابراین، مطالعه حاضر به عنوان اولین مطالعـه در این حوزه در ایران آغازی برای مطالعات تکمیلی آتی است. در مطالعات بعدی می تـوان ابتـدا ضـریب نفوذ هر یک از عوامل مؤثر بر شکل گیری انحصار و میزان قدرت آن را در صنایع ایران را به همراه نـرخ (مؤثر) مالیات استخراج نمود؛ سپس، به توصیه های سیاستی پرداخت.

از منظر دیگر، دولت که عهده دار وظیفه خطیر کارآمدکردن کنترلها و منصفانه کردن توزیع درآمـدها است، باید برای جبران استفاده ناکافی از منابع، تصحیح نا برابری ها و محافظت از مصرف‌کننده، اقدامات چاره‌سازی انجام دهند. به عنوان مثال، باید برای تداوم و ایجاد بسـتر رقابـت در بلندمـدت از بنگاههـای کوچک به روشهای معقول، مثلا" با تخفیف مالیاتی و تعیین نرخ مالیاتی بهینه، حمایـت نماینـد و ادغـام بنگاهها را تحت کنترل در آورند تا ورود به صنعت آسان شود و صنایع به سمت رقابت پیش روند. اطلاع مسئولین مالیاتی از درجه تمرکز بازار و رابطه آن با هزینه های راه اندازی صنایع مورد نظر و نرخ مالیـات بر شرکتها، می تواند برای تصمیم گیری آگاهانه و چگونگی سیاستگذاری دولت در این خصوص کارسـاز باشد.

۱–در تحلیلها وبررسیهای گالبرایت (۱۹۶۷) تغییرات فن‌آورانه وسازماندهی از جایگاه ویژه ای برخوردار هسـتند.از نظـر او فـن‌آوری مدرن دوره سرمایه گذاری را دراز تر و روشهای تولید را انعطـاف پـذیر تـر نمـوده و تجهیـزات سـرمایه‌ای هنگفـت و سـازمان قـوی و منسجمی را می طلبد. بنابراین، استفاده از فن‌آوری مدرن، بنگاهها را مجبور می کند تا در مقیاس وسیع فعالیت کنند و این امر نهایتا بـه تمرکز بازار می‌انجامد..

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

فهرست منابع

منابع فارسی:

۱- حسن خوانساری، زهرا (۱۳۶۲)، برآورد موجودی سرمایه در اقتصاد کشور در سالهای ۶۰-۱۳۳۸ و تفکیک آن بین بخشهای مختلف اقتصادی طی سالهای ۶۰-۱۳۴۳، سازمان برنامه و بودجه، مجله برنامه و بودجه.

۲- خداداد کاشی، فرهاد (تابستان۱۳۷۹)، "انحصار، رقابت و تمرکز در بازارهای صنعتی ایران (۷۳-۱۳۶۷)"، پژوهشنامه بازرگانی، سال چهارم، شماره ۱۵،صفحات ۱۱۶-۸۳.

۳- ---------- (۱۳۸۵)،ارزیابی تأثیر تبلیغات وصرفه‌های مقیاس بر رقابت در بازارهای صنعتی ایران، طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی دانشگاه پیام نور.

۴- ---------- (۱۳۸۵)، ساختار و عملکرد بازار: نظریه و کاربرد آن در بخش صنعت ایران،مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ دوم.

۵- سازمان امور مالیاتی کشور، قانون مالیات های مستقیممصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با آخرین اصلاحات مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۲۷،وزارت امور اقتصاد و دارایی. دانشکده امور اقتصادی، چاپ اول، سال ۱۳۸۱.

۶- کلانتری، باقر و عباس عرب مازار (تابستان ۱۳۷۱)، "برآورد موجودی سرمایه کشور (۱۳۳۸-۱۳۶۷)"، مجله علمی پژوهشی دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی ، سال اول، شماره ۱..

۷- گجراتی، ترجمه حمید ابریشمی، اقتصادسنجی عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم،۱۳۸۳.

۸- قارون، معصومه (۱۳۷۲)، "برآورد موجودی سرمایه بخش‌های اقتصاد ایران برای سالهای ۱۳۷۰-۱۳۵۲"، فصلنامه روند، شماره ۱۵-۱۴.

۹- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، سالهای ۸۴-۱۳۷۴.

۱۰- موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۷۶)، بررسی اقتصادی مالیات بر مصرف در ایران، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (تهران).

۱۱- ---------- (اسفند ۱۳۸۶)،راه های فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده و راهکارهای جلوگیری از آن، طرح پژوهشی، پژوهشکده امور اقتصادی.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

۱۲- هژبر کیانی ، کامبیز و آلبرت بغزیان (اردیبهشت ماه ۱۳۷۶)، روشی برای موجودی سرمایه بخشهای مختلف اقتصاد ایران ، طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی.

منابع انگلیسی:

13. Anderson, S.P., A. dePalma &B.Kreider(2001), "The Efficiency of Indirect Taxes under Imperfect Competition", Journal of Public Economics, No. 81, pp. 231-251.

14. Auerbach, A.J.andJ.R.Hines Jr.(2002), "Taxation and Economic Efficiency, Alan J. Auerbach and Martin Feldstein" ,Handbook of Public Economics, VOL 3 .

15. Besley, T.(1989), "Commodity Taxation and Imperfect Competition: A Note on the Effects of Entry", Journal of PUPLIC Economics, No. 40, pp. 359-367.

16. Bresnahan, Timothy F. (1992), "Sutton's Sunk costs and Market structure:price competition,Advertising and the Evolution of concentration", RAND Journal of Economics, Vol. 23, No. 1.

17. Colombo, Luca, Paola Labrecciosa and Patrick Paul Walsh (January 2006), "Optimal Corporation Tax", Trinity College Dublin, Institute for International Integration Studies (IIIS), IIIS Discussion Papers, No. 97.

18. Galbraith,J.K.(1967),The New Industrial State,Andre Deutsch, london.

19. Galbraith, J.K.(1973), "power and the Useful Economist" , American Economic Review, No. 63 , pp. 1-11.

20. Hall, Marshall and NicolausTideman, (Mar., 1967), " Measures of Concentration" Journal of the American Statistical Association, Vol. 62, No. 317, pp. 162-168.

21. Maastricht Accounting and Auditing Research and Education Center (1999), Corporate effective tax rate in the European Union, Report commissioned by the Dutch Ministry of Finance.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

22. Von Weizsacker, C.C.(1980), "A Welfare Analysis of Barriers to Entry" , The Bell Journal of Economics,Vol.11, No. 2, pp. 399-420.

پیوست اثر ثابت

Method: Pooled EGLS (Cross-section weights)
Date: 02/02/09 Time: 13:11
Sample: 1374 1384
Included observations: 11
Cross-sections included: 3
Total pool (balanced) observations: 33
Linear estimation after one-step weighting matrix

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	0.033402	0.017094	1.953975	0.0608
T?	0.130295	0.049860	2.613210	0.0143
K?	2.09E-09	1.02E-09	2.048432	0.0500
Fixed Effects (Cross)				
_2511--C	0.068597			
_2519--C	-0.016971			
_2520--C	-0.051626			

Effects

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

Specification			
Cross-section fixed (dummy variables)			
Weighted Statistics			
R-squared	0.937560	Mean dependent var	0.111829
Adjusted R-squared	0.928641	S.D. dependent var	0.116911
S.E. of regression	0.031231	Sum squared resid	0.027310
F-statistic	105.1084	Durbin-Watson stat	1.853004
Prob(F-statistic)	0.000000		
Unweighted Statistics			
R-squared	0.769147	Mean dependent var	0.075341
Sum squared resid	0.027458	Durbin-Watson stat	2.265260

Dependent Variable: HHI?

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

جدول شماره (۱) میانگین وزنی مالیات بر شرکتها(T)

T ۲۵۱۱		T ۲۵۱۹	T ۲۵۲۰
۱۳۷۴	./۴۱	٪۳۵	٪۳۷
۱۳۷۵	٪۴۲	٪۳۲	٪۳۸
۱۳۷۶	٪۴۶	٪۳۱	٪۳۹
۱۳۷۷	٪۴۸	٪۳۴	٪۴۱
۱۳۷۸	٪۴۶	٪۳۴	٪۴۲
۱۳۷۹	٪۴۵	٪۲۹	./٪۴۳
۱۳۸۰	٪۵۱	٪۳۶	٪۳۹
۱۳۸۱	٪۲۵	٪۲۴.۶	٪۲۵
۱۳۸۲	٪۲۴.۴	٪۲۴.۳	٪۲۵
۱۳۸۳	٪۲۴	٪۲۴.۸	٪۲۴.۹
۱۳۸۴	٪۲۳.۸	٪۲۴.۹	٪۲۴.۶

مأخذ:سازمان امور مالیاتی کشور

جدول (۲)شاخص تمرکز(H))

HHI ۲۵۱۱		HHI ۲۵۱۹	HHI ۲۵۲۰
۱۳۷۴	./۱۸۶	./۰۴۱	./۰۲۳۹
۱۳۷۵	./۱۷۶	./۰۳۹	./۰۲۴
۱۳۷۶	./۱۶۵	./۰۴۶	./۰۱۷
۱۳۷۷	./۱۴۵	./۰۶۵	./۰۱۴
۱۳۷۸	./۱۴۰	./۰۴۵	./۰۱۳
۱۳۷۹	./۱۳۹	./۰۳۴	./۰۱۳۷
۱۳۸۰	./۱۲۹۳	./۰۳۹۸	./۰۱۴۰
۱۳۸۱	./۱۴۰۷	./۰۵۷۷	./۰۰۸۲۵
۱۳۸۲	./۱۲۶	./۰۴۴	./۰۰۷۲
۱۳۸۳	./۱۲۸	./۰۳۷	./۰۰۶۱
۱۳۸۴	./۱۳۱	./۱۰۲	./۰۱۱

مأخذ:داده های خام مرکز آمار ایران

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]

جدول شماره (۳) نسبت تمرکز n بنگاه(CR4)

K ۲۵۱۱		K ۲۵۱۹	K ۲۵۲۰
۱۳۷۴	۷۳۵۵۹۰.۱	۲۹۹۸۴.۸۸	۶۲۲۸۴.۴۵
۱۳۷۵	۱۶۹۹۷۳۵.۹۸	۴۲۸۵۹.۳۶	۳۷۳۸۰۲.۶۹
۱۳۷۶	۱۳۵۰۶۶	۳۴۰۵۴.۵۳	۷۸۶۰۹۶.۰۹
۱۳۷۷	۳۱۶۹۸۹۷.۸۴	۱۹۵۵۶۹.۶۶	۷۶۶۲۵۱.۹۲
۱۳۷۸	۱۳۱۷۸۳۳.۵۹	۱۵۰۴۹۵.۹۴	۷۶۶۶۸۲.۹۶
۱۳۷۹	۴۸۴۰۱۳.۹	۴۰۲۴۸۲.۰۳	۴۴۲۱۷۵.۸۵
۱۳۸۰	۲۰۱۶۹۵۵۰	۵۲۹۲۹.۹۰	۲۹۶۵۱۱۰.۸۴
۱۳۸۱	۲۳۹۹۲۵.۶	۱۷۴۳۵۲.۳۹	۶۱۷۸۰۹.۰۶
۱۳۸۲	۶۲۰۹۱۴.۵	۳۸۱۲۰۴.۳۴	۱۰۶۶۳۸۰.۳۴
۱۳۸۳	۶۵۷۰۱۸.۵	۱۴۸۸۶۴.۵۷	۱۷۹۳۱۸۶.۸۰
۱۳۸۴	۲۷۵۲۵۲.۵۱	۱۷۵۱۴۵.۴۷	۲۱۴۸۶۲۷.۶۰

مأخذ: همان مأخذHHI

جدول شماره (۴) موجودی سرمایه(K)

CR4 ۲۵۱۱		CR4 ۲۵۱۹	CR4 ۲۵۲۰
۱۳۷۴	.۸۲	.۳۰۹	.۲۱۷
۱۳۷۵	.۸۰۹	.۲۸۰	.۲۳۱
۱۳۷۶	.۷۴۳	.۳۲۰	.۲۰۵
۱۳۷۷	.۶۸۰	.۳۴۱	.۱۸۱
۱۳۷۸	.۶۷۱	.۳۱۷	.۱۸۲
۱۳۷۹	.۶۶۸	.۲۷۴	.۱۷۰
۱۳۸۰	.۶۱۶	.۳۲۳	.۱۷۴
۱۳۸۱	.۶۷۷	.۴۰۳	.۱۲۹
۱۳۸۲	.۵۹۹	.۳۵۲	.۱۰۲
۱۳۸۳	.۶۱۶	.۴۷۹	.۱۲۹

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-17]